

قطب‌نمای دلاری گِیج شد؛ توافقی یا دستوری؟

■ در حالی که بازار توافقی ارز با هدف کشف نرخ واقعی و شفاف‌سازی در سیاست‌های ارزی شکل گرفت، تغییر موضع بانک مرکزی و تاکید بر تثبیت نرخ در کانالی مشخص، این بازار را از مسیر ابتدایی خود دور کرده است؛ چرخشی که شائبه بازگشت به سازوکارهای گذشته را پررنگ‌تر کرده است.

گروه اقتصادی – بانک مرکزی وعده شفاف‌سازی از طریق بازار توافقی ارز را داده، اما تاکید بر سیاست تثبیت نرخ، دوباره اقتصاد را به مسیر بسته‌نیما باز می‌گرداند.

یکی از سیاست‌های ارزی که در دولت سیزدهم و توسط بانک مرکزی کلید خورد، راه‌اندازی بازار ارز توافقی بود. بازاری که به گفته محمد رضا فرزین، قرار بود محلی برای عرضه ارز صادراتی توسط بخش خصوصی، با نرخ توافقی میان خریدار و فروشنده باشد و دیگر خبری از دستور نباشد! رویکردی جدید که از آن با عنوان بازار ارز تجاری نیز یاد شد و چند ماهی است اجرای آن در ساختار مرکز مبادله ایران آغاز شده است.

به‌گو‌نمای که در نیمه‌دوم سال گذشته، بانک مرکزی با هدف ترغیب صادرکنندگان برای عرضه ارز، سیاست کشف نرخ در بازار توافقی را دنبال کرد و نرخ ارز نیمایی که در کانال ۴۰ هزار تومان قرار داشت، به یکباره به کانال ۶۰ هزار تومان در بازار توافقی پرتاب شد. جهشی

نماینده مجلس:

یارانه خانوار نباید به دلیل درآمد فرزندان قطع شود



لذا ما پیگیر حق و حقوق خانوارهایی که یارانه‌شان به دلیل درآمد فرزندان قطع شده، هستیم.
بابایی کارنامی خاطر نشان کرد: چارچوب کاری آن تنظیم شده و احتمال بازگشت یارانه برخی از این خانوار وجود دارد.

بازار روغن در گیر و دار تصمیمات؛

وعده‌ها برای برخورد با متخلفان عملیاتی می‌شود؟

دلیل کمبود و گرانی به نقل از اتحادیه پندکاران مواد غذایی
حسین فرهادی – عضو هیئت‌مدیره و سخنگوی اتحادیه پندکاران مواد غذایی تاکید کرده است که بسیاری از کارخانجات هنوز فعالیت خود را بعد از نوروز آغاز نکرده‌اند. وی دلیل کاهش عرضه را نبود قیمت‌گذاری مصوب و سردرگمی تولیدکنندگان و واردکنندگان دانسته‌است.

او با اشاره به تغییر سیاست ارزی دولت، از نیمایی به توافقی، گفت: تولیدکنندگانی که بازار نیمایی وارد کرده بودند، پس از تغییر ناگهانی سیاست ارزی از توزیع کالا خودداری کردند. این موضوع عملاً به احتکار قانونی کالا در انبارها انجامید.
توزیع قطره چکانی، انحصار و فشار بر مصرف‌کننده
فرهادی همچنین از توزیع قطره چکانی کالا توسط تولیدکنندگان و اختصاص سهم به‌سالی آن به فروشنده‌های زنجیره‌ای انتقاد کرد. این امر موجب شده تا خرده‌فروشان با قیمت بالاتری کالا را تهیه کرده و با سود حاقلی، کالا را به مصرف‌کننده عرضه کنند؛ نتیجه، گرانی بی‌ضابطه در سطح مصرف‌کننده‌است.
گفته می‌شود، تولیدکنندگان تنها ۳ درصد از قیمت مصرف‌کننده را به عنوان تخفیف به عمده‌فروشان می‌دهند، در حالی که خرده‌فروشان برای بقا به حداقل ۱۰ تا ۱۲ درصد سود نیاز دارند؛ همین مسأله منجر به فروش بالاتر از قیمت درج‌شده در سطح خرده‌فروشی شده است.

هشدار درباره تکرار تجربه بازار برنج

فرهادی در پایان هشدار داد که تداوم این وضعیت می‌تواند به ایجاد انحصار مشابه بازار برنج منجر شود؛ جایی که تنها برخی شرکت‌ها امکان واردات و توزیع پیدا کردند و همین مسأله به گرانی و فشار بر مصرف‌کننده‌امن زد.

بازار روغن در شرایط مبهم قرار دارد. سیاست‌های متغیر ارزی، نبود شفافیت در نظام توزیع، انحصار در واردات و ضعف نظارت، مجموعه‌ای از عواملی هستند که وضعیت کنونی را رقم زده‌اند. اکنون چشم‌امید بازار روغن به وعده مسئولان برای برخورد با متخلفان و بازگشت ثبات به زنجیره تأمین دوخته شده‌است.



گروه اقتصادی – افزایش سقف وام ودیعه مسکن در حالی از سوی بانک مرکزی اعلام شده که تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد پیچیدگی‌های اداری، شروط سخت‌گیرانه بانک‌ها و اقساط سنگین این وام، همچنان مستأجران را از دستیابی به این حمایت‌اسمی باز می‌دارد.

با نزدیک شدن به تابستان و آغاز فصل جابجایی‌ها، نگرانی مستأجران از تأمین هزینه رهن و اجاره‌بیش از پیش نمایان می‌شود. در سال‌های اخیر، دولت‌ها تلاش کرده‌اند با ارائه تسهیلاتی تحت عنوان «وام ودیعه مسکن» بخشی از فشار اقتصادی را کاهش دهند. اما واقعیت این است که این وام، علیرغم تبلیغات فراوان، همچنان از یک سیاست حمایتی مؤثر فاصله دارد و عملاً نتوانسته نقشی جدی در بهبود وضعیت مستأجران ایفا کند.

بانک مرکزی در تازه‌ترین اطلاعیه خود از افزایش سقف این تسهیلات در سال جاری خبر داده است. بر این اساس، برای مستأجران کم‌درآمد تحت پوشش نهادهای حمایتی مانند کمیته‌امداد، بهرستی، جانبازان، رزمندگان معسر و خانواده شهدا، وامی تا سقف ۴۰۰ میلیون تومان در قالب قرض‌الحسنه در نظر گرفته شده است. برای سایر متقاضیان وام ودیعه مسکن، سقف این تسهیلات در شهر تهران از ۲۰۰ میلیون تومان به ۲۷۵ میلیون، در مراکز استان‌ها به ۲۱۰ میلیون، سایر شهرها به ۱۴۰ میلیون و در روستاها به ۵۵ میلیون تومان افزایش یافته است.

اما چالش اصلی مستأجران نه در رقم وام، بلکه در

شرایط و فرایند دسترسی به آن نهفته است. بررسی تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که دریافت این وام، آمان قدر پیچیده، زمان‌بر و آزاردهنده است که بسیاری از متقاضیان در میانه مسیر از ادامه آن منصرف می‌شوند. از جمله موانع پر تکرار، می‌توان به الزامات بانکی در زمینه معرفی ضامن معتبر اشاره کرد. اغلب بانک‌ها حداقل دو ضامن رسمی با گواهی کسر از حقوق دولتی در خواست می‌کنند؛ در حالی که بخش عمده‌ای از مستأجران خود شاغل در مشاغل غیررسمی یا فاقد آشنای دارای چنین شرایطی هستند. افزون بر این، الزام به ارائه اجاره‌نامه دارای کد رهگیری رسمی یکی دیگر از موانع مهم است. در حالی که بسیاری از قراردادهای اجاره هنوز به صورت دستی یا غیررسمی تنظیم می‌شوند و موجران نیز تمایلی به ثبت رسمی اجاره‌نامه ندارند، شرط کد رهگیری باعث حذف بخش بزرگی از مستأجران از چرخه دریافت این وام می‌شود.

از سوی دیگر، سامانه‌های متعدد و مراحل اداری خسته‌کننده نیز بخش مهمی از مشکل است. متقاضیان باید ابتدا در سامانه‌های وزارت راه و شهرسازی ثبت‌نام کنند، سپس مراحل را در سامانه رفاه ایران اینان پیگیری کنند، بعد از آن تأییدیه نهاد حمایتی را بگیرند و در نهایت با در دست داشتن پرونده‌ای ضخیم به بانک مراجعه کنند؛ فرآیندی که نه تنها زمان‌بر است، بلکه با پاسخ‌های مبهم و مقاومت آشکار برخی بانک‌ها نیز همراه است.

اقساط وام اجاره در تهران چقدر است؟



با وجود افزایش سقف وام، میزان اقساط در مقایسه با توان پرداخت خانوارهای اجاره‌نشین، همچنان سنگین است. برای مثال، برای وام ۲۷۵ میلیون تومانی با نرخ بهره ۱۳ درصد و بازپرداخت پنج‌ساله، اقساط ماهانه به حدود ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌رسد، عددی که برای بسیاری از مستأجران، بخش مهمی از کل درآمد ماهانه است. با احتساب اجاره ماهانه، هزینه واقعی زندگی برای یک خانواده مستأجر به سطحی می‌رسد که با حمایت‌های دولتی ادا نشده هیچ‌چم خونی ندارد.

وام‌هاست. در حالی که بانک مرکزی مدتی ست انتشار

بخشنامه جدید سامانه جامع تجارت در مورد واردات خودرو؛

ماجرای سهمیه‌های مبهم خودروهای وارداتی چیست؟

خودروهای مورد نظر خود را به راحتی تهیه کنند و بازار به سمت خودروهایی در چارچوب سهمیه‌ها قرار بگیرد. همچنین محدود کردن رقابت از طریق سهمیه‌بندی می‌تواند انگیزه تولیدکنندگان داخلی برای بهبود کیفیت و نوآوری محصولاتشان را کاهش دهد چراکه از فشار رقابت خارجی مصون می‌مانند و از سویی دیگر، فرآیند درخواست، تأیید و استفاده از سهمیه‌ها ممکن است با پیچیدگی‌های اداری همراه باشد که منجر به تاخیر در واردات و افزایش هزینه‌های واردکنندگان شود.

چرا فرآیند تخصیص سهمیه‌ها در ابهام است؟

به همین جهت، اگر فرآیند تخصیص سهمیه‌ها به صورت شفاف اعلام نشود، می‌تواند منجر به نارضایتی واردکنندگان و ایجاد ابهام در بازار شود و همچنین افزایش قیمت خودروهای وارداتی به دلیل محدودیت عرضه قانونی، می‌تواند انگیزه برای واردات غیرقانونی یا قاچاق این خودروها را افزایش دهد.

اثربخشی و پیامدهای سهمیه CBU بستگی به جزئیات نحوه اجرا، میزان سهمیه‌ها، شفافیت فرآیند تخصیص و سیاست‌های کلی وزارت صنعت در قبال صنعت خودرو و تجارت خارجی خواهد داشت و تغییرات مکرر در سیاست‌های مربوط به سهمیه‌بندی و واردات می‌تواند برای فعالان این حوزه عدم اطمینان ایجاد کرده و برنامه‌ریزی بلندمدت را دشوار سازد.



منجر به کاهش عرضه خودروهای خارجی در بازار داخلی می‌شود و این کاهش عرضه، در صورت وجود تقاضای بالا، می‌تواند باعث افزایش قابل توجه قیمت این خودروها برای مصرف‌کنندگان شود. همچنین فرآیند تخصیص و استفاده از سهمیه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز رانت و فساد شود و در این میان افراد یا شرکت‌هایی که به سهمیه‌های بزرگتر با شرایط بهتری دسترسی پیدا کنند؛ بنابراین عدم شفافیت در فرآیند تخصیص می‌تواند این مشکل را تشدید کند.

سهمیه‌بندی، سازوکار طبیعی عرضه و تقاضای بازار را مختل کرده و مصرف‌کنندگان ممکن است نتوانند

رسمی برندهای خارجی و سایر نهادهای سازمان‌های مجاز است.

باوجودی که هدف از تعیین و اعمال سهمیه، مدیریت و کنترل میزان واردات خودروهای CBU به کشور است و استفاده از آن منوط به داشتن مجوزهای لازم و رعایت مقررات مربوطه است اما ممکن است اعمال سهمیه CBU در کنار حمایت از تولید داخلی و تنظیم

بازار ارز و ... مشکلات و چالش‌های متعددی را به همراه داشته باشد.

رانت‌های پشت پرده برای ...

برای مثال تعیین سقف برای واردات، به طور طبیعی



تثبیت دستوری قیمت‌ها و سیاست‌های ارزی مولد چرخه‌های تثبیت-جهش نرخ ارز، تنها موجب تشدید جهش‌های ارزی در آینده خواهد شد.

بانک مرکزی، شفاف‌سازی کند

در چنین شرایطی، پرسش جدی این است که آیا قرار نیست بازار توافقی واقعی داشته‌باشیم؟ اگر سیاست کشف‌نرخ کنار گذاشته‌شده و نرخ‌ها در بازار توافقی نیز تثبیت می‌شوند، پس حذف سامانه نیما چه دستاوردی داشت؟ آیا این همان نیمای شماره ۴ نیست که با نام جدید بازگشته‌است؟

افزایش وام ودیعه مسکن بدون توان بازپرداخت؛

مستاجر باید هم اجاره بدهد، هم قسط!



آمار عملکرد بانک‌ها در حوزه تسهیلات مسکن را متوقف کرده، دسترسی عمومی به اطلاعات مربوط به میزان همکاری بانک‌ها سهم هر کدام از این تسهیلات عملاً از بین رفته است. این موضوع، امکان پیگیری و نظارت رسانه‌ای را نیز به حداقل رسانده است. با این شرایط، پرسش جدی آن است که دولت و بانک مرکزی تا چه زمانی می‌خواهند صرفاً با افزایش ارقام وام، بدون اصلاح واقعی سازوکار اجرایی، از سنگینی بار مستأجران سخن بگویند؟ افزایش سقف وام بدون تسهیل شرایط پرداخت، نه تنها کمکی به اجاره‌نشینان نمی‌کنند، بلکه صرفاً صف‌های طولانی تر، مراجعات ناکام و ناامیدی بیشتر منجر خواهد شد.